

سبک‌های دلبستگی و نشانه‌های افسردگی: نقش واسطه‌ای نشخوار فکری

* شهرام محمدخانی^۱، علی بهاری^۲، مهسا اکبریان فیروزآبادی^۲

۱- دکترای روانشناسی بالینی، دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

حکیده

تاریخ دریافت: ۰۹ آذر ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۳۹۶

اهداف: هدف پژوهش حاضر تبیین نقش واسطه‌ای نشخوار فکری در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و نشانه‌های افسردگی است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش، تحقیقی پس‌رویدادی با طرح علی است. ۱۷۵ نفر از دانشجویان ایرانی به عنوان نمونه به پرسش‌نامه‌های افسردگی بک- نسخه دوم، مقیاس پاسخ نشخواری و پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس، رگرسیون، تحلیل میانجی و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد جهت‌گیری دلبستگی با نشخوار فکری ($P < 0/001$) و افسردگی ($P < 0/0005$) مرتبط است. شاخص اجتناب سیستم دلبستگی با در فکر فرورفتن نشخواری ارتباط معناداری دارد ($P < 0/002$). همچنین نتایج پژوهش حاضر از میانجیگری در فکر فرورفتن نشخواری در رابطه بین شاخص اجتناب دلبستگی و نشانه‌های افسردگی حمایت کرد ($P < 0/0005$).

نتیجه‌گیری: مؤلفه در فکر فرورفتن نشخوار فکری در رابطه میان شاخص اجتناب دلبستگی و نشانه‌های افسردگی میانجیگری می‌کند. یافته‌های این پژوهش بر نقش رابطه بین مراقبان و کودک در شکل‌گیری نشخوار فکری و افسردگی تأکید می‌کند. همچنین برای جلوگیری از ایجاد این سازه ناکارآمد برنامه‌های پیشگیرانه‌ای را پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

سبک دلبستگی، افسردگی، مدل ابعادی دلبستگی، نشخوار فکری

مقدمه

به بررسی نشخوار فکری به عنوان میانجی این رابطه پرداخته‌ایم.

نظریه دلبستگی [۸] به ماهیت رابطه‌ای اشاره می‌کند که میان کودک و مراقب اولیه‌اش شکل می‌گیرد و اهمیتی که این رابطه برای ایجاد شخصیت و دیدگاه فرد نسبت به دنیا دارد. بر اساس این نظریه، در خلال تکرار تجربیات وابسته به نمایه دلبستگی^۱، کودک بازنمایی ذهنی یا به عبارتی «مدل‌های کارکردی درونی»^۲، نسبت به خود و دیگران را به وجود می‌آورد. هنگامی که یک بار این مدل‌ها شکل بگیرد، اگر سیستم دلبستگی فعال شود، این مدل‌ها نیز فعال خواهند شد و رفتار فرد را هدایت خواهند کرد [۶]. گمان می‌رود تفاوت در رفتارهای دلبستگی یا سبک دلبستگی افراد، بازتابی از تفاوت در مدل‌های کارکردی زیربنایی آن‌ها باشد [۹].

در گسترش کاربرد نظریه دلبستگی، هازان^۳ و شاور^۴ [۱۰] مدل

یکی از عواملی که در افسردگی دخیل است، رابطه دلبستگی با دیگران مهم^۱ است [۱]. مطالعات متعددی بیان کرده‌اند که تفاوت فردی در سبک دلبستگی، تأثیر مهمی بر بهزیستی و سازگاری هیجانی افراد دارد [۴-۲]. همچنین بیان شده است که سبک دلبستگی بزرگسالان با توانایی تنظیم پریشانی در آن‌ها ارتباط دارد [۵]. اعتقاد بر این است که تفاوت در مدل‌های کارکردی دلبستگی که فرض می‌شود زیربنای تفاوت در سبک‌های دلبستگی هستند، در بهزیستی اشخاص نقش اساسی دارد. به این طریق که افراد را به روش‌های مختلف تنظیم هیجان در مقابل تجربه‌های پرسترس و چالش‌برانگیز زندگی هدایت می‌کند [۶]. اخیراً علاقه بیشتری برای درک سازوکارهای مربوط به رابطه بین دلبستگی و نشانه‌های افسردگی به وجود آمده است. یکی از گزینه‌های خوب در اینجا، نشخوار فکری است [۷]. در پژوهش پیش‌رو به منظور روشن‌تر کردن رابطه میان سبک دلبستگی و نشانه‌های افسردگی

2. Attachment figure
3. Internal working models
4. Hazan
5. Shaver

1. Significant others

* نویسنده مسئول:

دکتر شهرام محمدخانی

نشانی: تهران، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی بالینی.

تلفن: ۸۸۸۴۸۹۳۸ (۲۱) ۰۹۸+

پست الکترونیکی: sh.mohammadkhani@gmail.com

انتظارات و شناخت‌هایی باشد که در افسردگی دیده می‌شود [۱]. روابط نایمن دل‌بستگی موجب می‌شود احساسات ایمنی به مقدار بسیار کمی درونی شوند. افراد دارای دل‌بستگی‌های نایمن هنگام مواجهه با پریشانی، خزانه مقابله‌ای کمتری دارند و مستعد خلق افسرده هستند [۱]. همچنین ممکن است افراد با دل‌بستگی نایمن، رویدادهای بین‌فردی منفی را به معنای ناشایستگی و بی‌کفایتی خود تفسیر کنند که این تفسیرها می‌تواند با ایجاد نشانه‌های افسردگی در ارتباط باشد [۱۴]. فرالی^{۱۴} و شاور [۱۶] در قیاس نظری خود بیان کردند که بعد اضطراب پیش‌بینی‌کننده واکنش‌های عاطفی است، درحالی‌که بعد اجتناب، راهبردهای شناختی را پیش‌بینی می‌کند.

یکی از سازوکارهایی که فرض می‌شود سبک دل‌بستگی را به افسردگی مرتبط کرده است، نشخوار فکری راهبردی مقابله‌ای بیماری‌زاست. نولن هوکسما^{۱۵} [۱۷] در نظریه سبک‌های پاسخ بیان می‌کند افرادی که در واکنش به افسردگی، با تمرکز بر علائم خود، دلایل احتمالی، معانی و نتایج حاصل از این علائم، به نشخوار فکری می‌پردازند، نسبت به افرادی که توجه خود را از علائم برمی‌گردانند دوره افسردگی طولانی‌تری را نشان خواهند داد. نتایج حاصل از مطالعات طولی نیز نشان می‌دهد افرادی که در مقابل خلق افسرده خود دچار نشخوار فکری می‌شوند، دوره افسردگی طولانی‌تری را تجربه می‌کنند [۱۸]. نشخوار فکری با افزایش تفکرات بدبینانه موجب ماندگاری افسردگی می‌شود [۱۹].

بر اساس نظریه دل‌بستگی و مطالعات صورت گرفته، نشخوار فکری ناکارآمد با جهت‌گیری دل‌بستگی مرتبط است، درحالی‌که دل‌بستگی ایمن، با آگاهی نسبت به پریشانی‌ها و تحمل رویدادهای پراسترس و نیز غرق نشدن در آن‌ها، موجب تنظیم و تعدیل منعطف و مناسب تجارب هیجانی می‌شود [۲]. دل‌بستگی‌های اضطرابی (مثلاً با شگفت‌زده‌شدن) و اجتنابی (مثلاً با فاصله‌هیجانی) با پریشانی روان‌شناختی و گرایش به نشخوار فکری ارتباط دارد [۲۰]. تعدادی از مطالعات اخیر بیان کرده‌اند که دل‌بستگی نایمن با نشخوار فکری ناکارآمد ارتباط دارد. پیرسون^{۱۶} و همکاران [۲۱] دریافتند سطوح افسردگی هر فرد در حال حاضر، نتیجه رابطه بین دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با در فکر فرورفتن نشخواری است. برون^{۱۷} و همکاران [۲۲] نیز نشان دادند جهت‌گیری دل‌بستگی به طور مثبت با نشخوار فکری مرتبط است. سافری^{۱۸} و ارنبرگ^{۱۹} [۱۵] دریافتند افراد اضطرابی سطوح بالاتری از در فکر فرورفتن نشخواری را تجربه می‌کنند؛ کسانی که شناخت‌های

سه‌طبقه‌ای دل‌بستگی را بیان کردند. آن‌ها افراد را در سه طبقه دل‌بسته اجتنابی، اضطرابی/دوسوگرا، و ایمن قرار دادند. بعد از آن‌ها بارتولومه^۶ و هوروویز^۷ [۱۱] مدل چهارطبقه‌ای خود را از دل‌بستگی گسترش دادند. بارتولومه [۱۱] مفهوم‌سازی بالبی را گسترش داد و بیان کرد که دل‌بستگی از دو بُعد ناشی می‌شود: مدلی درباره خود به عنوان خود مثبت یا منفی (لایق بودن یا نبودن برای عشق و حمایت) و مدلی درباره دیگران به عنوان دیگران مثبت یا منفی (قابل اعتماد و در دسترس در مقابل غیرقابل اعتماد و طردکننده). بر این اساس چهار نوع دل‌بستگی شناسایی شد: ۱. ایمن^۸ (خود مثبت، دیگران مثبت)؛ ۲. آشفته^۹ (خود منفی، دیگران مثبت)؛ ۳. هراسان - اجتنابی^{۱۰} (خود منفی، دیگران منفی)؛ ۴. بی‌تفاوت - اجتنابی^{۱۱} (خود مثبت، دیگران منفی). این ابعاد و ترکیب‌های مرتبط با آن‌ها، تعیین‌کننده شناخت‌ها، خلق و رفتار در رابطه‌های فرد هستند. همچنین موجب هدایت تنظیم هیجانی می‌شود و تصویر نفس^{۱۲} را شکل می‌دهند [۱۳، ۱۲].

در نتیجه، تعاملات ناسازگارانه اولیه والد فرزند، می‌تواند به عنوان الگویی منفی برای روابط بین‌فردی و انتظارات موجود در روابط آینده فرد نقش بازی کند [۱۴]. بیشتر پژوهش‌های مربوط به دل‌بستگی، بر رویکردهای طبقه‌ای تمرکز دارند، اما در این حوزه، رویکرد ابعادی^{۱۳} نیز برای ارزیابی دل‌بستگی به کار می‌رود. یکی از این ابعاد، اضطراب دل‌بستگی (یا مدل خود) است و نشان‌دهنده ترس از طرد و ترک شدن است. اضطراب دل‌بستگی، دل‌بسته‌های آشفته و هراسان را از دل‌بسته‌های ایمن و بی‌تفاوت مجزا می‌کند. بعد دیگر با نام اجتناب دل‌بستگی (یا مدل دیگران) شناخته می‌شود که نشان‌دهنده تمایل فرد برای اجتناب از نزدیکی و صمیمیت اجتماعی است. اجتناب دل‌بستگی، دل‌بسته‌های بی‌تفاوت و هراسان را از افراد دل‌بسته ایمن و آشفته مجزا می‌کند [۱۵].

بر اساس تجارب مربوط به دل‌بستگی و مدل‌های کارکردی کنونی، به نظر می‌رسد افراد با سبک‌های دل‌بستگی گوناگون، راهبردهای متفاوتی برای مدیریت پریشانی و حفظ احساس امنیت داشته باشند. یکی از الگوهایی که در مطالعات دیده شده این است که در موقعیت‌های پراسترس، بزرگسالان ایمن بیشتر به دنبال حمایت می‌گردند. یکی از دلایلی که آن‌ها بیشتر به دنبال حمایت هستند، انتظارات مثبت آن‌ها در خصوص در دسترس بودن و مایل بودن دیگران است [۶]. مدل‌های کارکردی منفی خود و دیگران که به دل‌بستگی نایمن مربوط می‌شود، می‌تواند زمینه‌ساز

6. Bartholomew

7. Horowitz

8. Secure

9. Preoccupied

10. Fearful-avoidant

11. Dismissing-avoidant

12. Self-image

13. Dimensional

14. Fraley

15. Nolen-Hoeksema

16. Pearson

17. Burnette

18. Saffrey

19. Ehrenberg

افسردگی پرداخته‌اند و به نحو درخور توجهی به درک و فهم ما از فرایندهای شناختی و هیجانی موجود در این رابطه افزوده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد در این خصوص ابهاماتی وجود دارد. برای مثال، سافری و ارنبرگ [۱۵] بیان کردند که افراد اضطرابی با سطوح بالای نشخوار فکری در ارتباط هستند. از طرفی پیرسون و همکاران [۲۱] بعد از کنترل جنسیت و سطوح افسردگی در آزمودنی‌ها، متوجه شدند نشخوار فکری (تنها مؤلفه در فکر فرورفتن) رابطه‌ای قوی با افزایش حساسیت نسبت به طرد شدن دارد. با این حال با سبک دلبستگی اضطرابی ارتباطی وجود نداشت.

از این رو بررسی بیشتر این رابطه ضروری به نظر می‌رسد تا نقش هر یک از شاخص‌های سیستم دلبستگی آشکارتر شود. به منظور فراهم آوردن اطلاعات بیشتر در این زمینه، رابطه سبک‌های دلبستگی با نشخوار فکری به عنوان میانجی اختلال افسردگی بررسی شد. در این مطالعه تلاش شد تا علاوه بر مشخص کردن نقش میانجی‌گری نشخوار فکری و بررسی شاخص‌های اضطراب و اجتناب در رابطه با افسردگی، بر مدل ابعادی دلبستگی تأکید شود. در این راستا به مقایسه نتایج حاصل از مدل‌های سه طبقه‌ای و ابعادی پرداخته شد. به عبارت دیگر، این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش‌ها بود: سبک‌های دلبستگی با چه عبارتی، شاخص‌های سیستم دلبستگی چه رابطه‌ای با نشانه‌های افسردگی دارند؟ آیا نشخوار فکری در رابطه بین شاخص‌های سیستم دلبستگی با نشانه‌های افسردگی نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند؟

روش

پژوهش حاضر تحقیقی پس‌رویدادی^{۲۵} با طرح علی است که

25. Expost Facto

مربوط به روابط، آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مارگولس^{۲۰} و همکاران [۱۴] دریافتند در روابط رمانتیک، نشخوار فکری در ارتباط میان مدل‌های کارکردی دلبستگی و افسردگی میانجی‌گری می‌کند. در این نوع روابط، استرس موجب تحمیل فشار بر منابع شناختی و هیجانی فرد می‌شود. این نتیجه به طور ضمنی به نظریه سبک‌های پاسخ نولن هوکسما [۱۷] درباره نشخوار فکری اشاره دارد. روجیتن^{۲۱} و همکاران [۷] در مطالعه خود دریافتند که بیشتر شاخص‌های کیفیت دلبستگی با نشخوار فکری و افسردگی در ارتباط هستند. همچنین آن‌ها میانجی‌گری کامل نشخوار فکری بین ارتباط با همسالان (از شاخص‌های کیفیت دلبستگی) و نشانه‌های افسردگی را تأیید کردند. به علاوه میانجی‌گری نشخوار فکری برای شاخص‌های دیگر کیفیت دلبستگی (اعتماد به والدین و بیگانگی با همسالان) به طور نسبی بیان شد. بیدرمن^{۲۲} و یونگ^{۲۳} [۲۳] در مطالعه اخیر خود به مدلی دست یافتند که از میانجی‌گری نشخوار فکری در رابطه میان دلبستگی ناایمن و افسردگی حمایت می‌کند. نتایج مطالعه لانسیانو^{۲۴} و دیگران [۲۰] نشان داد رابطه قوی‌ای بین نشخوار فکری ناکارآمد و دلبستگی‌های اضطرابی و اجتنابی وجود دارد. این نتایج بیان می‌کنند که جهت‌گیری‌های ناایمن دلبستگی به نقصان توانایی‌های مقابله‌ای با آشفتگی‌های هیجانی مربوط هستند.

تحقیقات متعددی به بررسی رابطه دلبستگی، نشخوار فکری، و

20. Margolese

21. Ruijten

22. Beyderman

23. Young

24. Lanciano

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه

متغیر	گروه	فراوانی (درصد)
جنسیت	زن	۱۰۱(۵۷/۷)
	مرد	۷۴(۴۲/۳)
زبان	تک‌زبانه	۱۵۳(۸۷/۴)
	دو‌زبانه	۲۲(۱۲/۶)
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۱۵۴(۸۸)
	کارشناسی ارشد و پزشکی عمومی	۱۹(۱۰/۹)
	دکتر	۲(۱/۱)
وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۸(۹۰/۳)
	متاهل	۱۷(۹/۷)

اعتبار بازآزمایی را ۰/۶۷ گزارش کرده‌اند [۲۸، ۲۹]. آلفای کرونباخ در نمونه مربوط به مطالعه حاضر ۰/۹۱ به دست آمد. ترینور و همکاران [۲۷] در مطالعه‌ای به تحلیل روان‌سنجی مقیاس پاسخ نشخواری (RRS) پرداختند. آن‌ها از مدل دوعاملی پاسخ‌های نشخواری حمایت کردند. مؤلفه اول تعمق^{۳۱} و مؤلفه دوم در فکر فرو رفتن^{۳۲} نامیده شده است. بقیه سوال‌ها مرتبط با افسردگی^{۳۳} هستند. محمدخانی و همکاران [۳۰] همسانی درونی خرده‌مقیاس‌های در فکر فرو رفتن و تعمق را به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۹ گزارش کردند. بدین ترتیب ضریب آلفای کرونباخ مربوط به این خرده‌مقیاس‌ها در مطالعه حاضر به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۶۸ به دست آمد.

پرسش‌نامه دلبستگی بزرگ‌سالان

یک ابزار اندازه‌گیری، خودسنجی است که توسط هازان و شاور [۱۰] ساخته شد. این آزمون بر این فرض تنظیم شده است که مشابهت‌هایی از سبک‌های دلبستگی کودک-مراقب را می‌توان در بزرگسالی نیز یافت. این ابزار شامل دو بخش است. در بخش نخست، آزمودنی درباره سه پاراگراف توصیفی ارائه‌شده وضعیت خود را مشخص می‌کند. این سه پاراگراف بیانگر احساسات فرد درباره راحتی و نزدیکی و صمیمیت در روابط است و هر یک نشان‌دهنده یک نوع سبک دلبستگی (اجتنابی، اضطرابی، و ایمن) است. در بخش دوم، سبک دلبستگی خود را بر اساس یکی از سه توصیف ارائه‌شده که در بخش اول آمده است معین می‌کند. همچنین در بخش اول روش نمره‌گذاری از نوع لیکرت هفت‌درجه‌ای، از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» انجام می‌گیرد. در بخش دوم روش نمره‌گذاری به صورت مقوله‌ای است؛ به این صورت که نمره ۱، دلبستگی اجتنابی، نمره ۲، دلبستگی اضطرابی (دوسوگرا) و نمره ۳، دلبستگی ایمن را نشان می‌دهد.

بدین ترتیب نمره حاصل از بخش اول در مقیاس فاصله‌ای و نمره بخش دوم در مقیاس اسمی است. اعتبار آزمون از طریق محاسبه پایایی آن توسط آزمون-بازآزمون معادل I پیرسون برابر ۰/۴ به دست آمده است [۳۱، ۳۲]. در تحقیقی که توسط پاکدامن [۳۳] روی یک نمونه ۱۰۰ نفری انجام گرفت، اعتبار آن توسط آزمون-بازآزمون، به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی، اجتنابی و ایمن، برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶، و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز، ۰/۷۹ گزارش شده است [۳۴]. در روش بازآزمایی ضریب همبستگی بین دو آزمون ۰/۹۲ به دست آمده است [۳۵]. آلفای کرونباخ در مطالعه تاج و همکاران [۳۶] ۰/۶۸ گزارش شده است. در مطالعه حاضر همسو با گزارش ذراتی و همکاران [۳۴] ضریب همبستگی بین سه توصیف مختلف به ترتیب برای اجتنابی و اضطرابی، ۰/۱۳، اجتنابی و ایمن، ۰/۱۳، و اضطرابی و ایمن، ۰/۱۳،

به منظور بررسی رابطه سبک دلبستگی با ایجاد نشخوار فکری به عنوان میانجی اختلال افسردگی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دانشگاه خوارزمی، تهران و علوم پزشکی البرز است که در نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بوده‌اند. نمونه شامل ۱۷۵ دانشجوی (۷۴ مرد و ۱۰۱ زن) با دامنه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال ($M=21$ و $SD=2/75$) است که به روش نمونه‌گیری در دسترس از دانشکده‌های فنی‌مهندسی، علوم پایه، ادبیات و پزشکی به دست آمده‌اند. دیگر اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به نمونه در جدول شماره ۱ ارائه شده است. ملاک ورود به پژوهش، بر اساس گزارش شخصی، نداشتن سابقه مراجعه به روان‌پزشک یا روان‌شناس و مبتلای نبودن به بیماری روان‌شناختی و نیز نداشتن سابقه آسیب مغزی یا ضربه به سر و نداشتن اختلال‌های عضوی بود. هر آزمودنی بستهای از پرسش‌نامه‌ها شامل مقیاس افسردگی بک-نسخه دوم^{۲۶} (BDI-II) مقیاس پاسخ نشخواری^{۲۷} (RRS) و پرسش‌نامه دلبستگی بزرگ‌سالان^{۲۸} (AAQ) را پر کردند. دیگر اطلاعات دریافتی از نمونه شامل زبان مادری، مقطع تحصیلی و وضعیت تأهل بودند. داده‌های حاصل در این پژوهش به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس، رگرسیون، تحلیل میانجی و نیز محاسبه همبستگی تجزیه و تحلیل شدند.

مقیاس افسردگی بک-نسخه دوم

این مقیاس نشانه‌های افسردگی را بر اساس ملاک‌های تشخیصی اختلال افسردگی که انجمن روان‌پزشکی آمریکا در راهنمای تشخیص آماری اختلالات روانی ارائه داده است، ارزیابی می‌کند [۲۴]. این پرسش‌نامه شامل ۲۱ ماده چهارگزینه‌ای است که از صفر تا سه نمره‌گذاری می‌شود و نمره کلی بین صفر تا ۶۳ متغیر است. فتی و دیگران [۲۵] این مقیاس را روی یک نمونه ۹۴ نفری از جمعیت ایرانی به اجرا درآورده است و ضریب آلفا را ۰/۹۱ و ضریب پایایی بازآزمایی را به فاصله یک هفته ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب آلفای آن برای بیماران سرپایی ۰/۹۲ و برای دانشجویان ۰/۹۳ به دست آمده است [۲۶].

مقیاس پاسخ نشخواری

این مقیاس زیر مقیاسی از پرسش‌نامه سبک‌های پاسخ نولن-هوکسما و مورو^{۲۹} [۱۸] است. این مقیاس خودگزارشی شامل ۲۲ ماده چهارگزینه‌ای لیکرت است. نمرات می‌توانند بین ۲۲ تا ۸۸ متغیر باشند. ترینور^{۳۰} و دیگران [۲۷] ضریب آلفای این مقیاس را ۰/۹۰ و

26. Beck Depression Inventory-II
27. Ruminative Responses Scale
28. Adult Attachment Questionnaire
29. Morrow
30. Treynor

31. Reflection

32. Brooding

33. Depression-Related

اجتنابی معادل گروه «هراسان»، اجتنابی معادل «بی تفاوت»، اضطرابی معادل «آشفته»، و ایمن معادل «ایمن» است.

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی اطلاعات دقیق‌تری درباره نمونه و مقیاس‌های به کاررفته روی آن‌ها به دست می‌دهد (جدول شماره ۲ و ۳). همچنین همبستگی‌های محاسبه شده بین متغیرهای مختلف در جدول شماره ۴ ارائه شده است. در این پژوهش تحلیل واریانس و میانجی را در دو مرحله انجام دادیم. به عبارتی با توجه به مدل‌های طبقه‌ای و ابعادی دل‌بستگی، در مرحله اول به تحلیل نمرات افسردگی و نشخوار فکری با استفاده از مدل سه طبقه‌ای دل‌بستگی (اجتنابی، اضطرابی، ایمن) پرداختیم. و در مرحله دوم، این نمرات را با کمک مدل ابعادی تحلیل کردیم. از مزایای این روش امکان مقایسه نتایج حاصل از مدل سه طبقه‌ای با مدل ابعادی است. همچنین با توجه به اینکه در مدل سه طبقه‌ای حاصل از مقیاس اسمی AAQ، آزمودنی‌های نسبتاً زیادی به دلیل مشخص نبودن سبک دل‌بستگی‌شان از دست رفته‌اند، مدل ابعادی امکان بررسی تمام آزمودنی‌ها در این پژوهش را فراهم می‌کند.

تحلیل واریانس، مرحله اول: مدل سه طبقه‌ای. در تمام تحلیل‌های این، همگنی واریانس‌های گروه‌های مستقل (سبک‌های مختلف دل‌بستگی) با استفاده از آزمون لوین بررسی شد. این آزمون در

به دست آمد که نشان می‌دهد این سه پاراگراف مختلف، هر یک محتوایی جداگانه را می‌سازند.

در این مطالعه با توجه به اورال^{۳۴} و دیگران [۳۷] مقیاس دل‌بستگی را بدین گونه تعریف کردیم: مقیاسی که حداقل و حداکثر نمره آن به ترتیب ۳ و ۲۱ است و با افزایش نمره، دل‌بستگی نایمن تر می‌شود. بدین منظور ماده سوم (پاراگراف مربوط به دل‌بستگی ایمن) را به طور معکوس نمره‌گذاری کردیم. در نتیجه نمره ۳ در مقیاس دل‌بستگی نشان‌دهنده دل‌بسته کاملاً ایمن و نمره ۲۱ نشانگر دل‌بسته کاملاً نایمن است. همچنین به منظور فراهم شدن امکان استفاده از رویکرد ابعادی دل‌بستگی، در این پژوهش، نمره فاصله‌ای حاصل از ماده اول را به عنوان شاخص اجتناب و نمره حاصل از ماده دوم را به عنوان شاخص اضطراب دل‌بستگی، در نظر گرفتیم. بدین ترتیب چهار گروه مجزا بر اساس فعال بودن یا نبودن هر یک از شاخص‌های سیستم دل‌بستگی به وجود آمد. این گروه‌ها عبارت‌اند از: اضطرابی-اجتنابی (اضطراب بالا، اجتناب بالا) اجتنابی (اجتناب بالا، اضطراب پایین) اضطرابی (اضطراب بالا، اجتناب پایین) و گروه ایمن (اضطراب و اجتناب پایین). این گروه‌ها را می‌توان با طبقه‌بندی چهارتایی بارتولومه و هورویتز^{۳۵} [۱۱] مقایسه کرد؛ بدین ترتیب که گروه اضطرابی-

34.Overall

35.Horowitz

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به مقیاس‌های افسردگی، نشخوار فکری و دل‌بستگی، به تفکیک در دل‌بسته‌های ایمن و نایمن و کل نمونه

گروه	دل‌بسته اجتنابی	دل‌بسته اضطرابی	دل‌بسته ایمن	کل
متغیر / آماره	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)
مقیاس افسردگی بک	۱۶/۰۰ (۷/۴۱)	۱۱/۸۶ (۷/۹۱)	۷/۷۷ (۵/۷۸)	۱۰/۹۱ (۷/۴۶)
مقیاس پاسخ‌های نشخواری	۵۲/۱۷ (۱۴/۴۱)	۴۸/۰۸ (۱۱/۹۱)	۴۲/۰۴ (۱۰/۷۵)	۴۶/۳۵ (۱۲/۴۸)
در فکر فرورفتن نشخواری	۱۲/۸۰ (۵/۰۱)	۱۱/۲۸ (۳/۳۲)	۱۰/۰۶ (۳/۲۶)	۱۱/۰۹ (۳/۹۱)
تعمق نشخواری	۱۱/۴۵ (۳/۶۰)	۱۰/۶۸ (۳/۵۶)	۹/۷۰ (۳/۱۲)	۱۰/۴۱ (۳/۴۵)
اجتناب دل‌بستگی	۵/۶۷ (۱/۱۱)	۳/۰۶ (۱/۵۹)	۲/۱۸ (۱/۴۵)	۳/۵۵ (۲/۰۰)
اضطراب دل‌بستگی	۲/۶۵ (۱/۶۱)	۵/۷۱ (۱/۱۸)	۲/۰۳ (۱/۲۹)	۳/۴۰ (۲/۰۱)

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران

جدول ۳. فراوانی سبک‌های دل‌بستگی بر اساس جنس آزمودنی‌ها

متغیر اسمی	فراوانی زن (درصد)	فراوانی مرد (درصد)	فراوانی کل (درصد)
اجتنابی	۲۴ (۲۳/۸)	۱۶ (۳۱/۶)	۴۰ (۲۲/۹)
اضطرابی	۱۵ (۱۴/۹)	۲۰ (۳۷/۰)	۳۵ (۲۰/۰)
ایمن	۳۸ (۳۷/۶)	۲۳ (۳۱/۱)	۶۱ (۳۴/۹)
نامشخص	۲۴ (۲۳/۸)	۱۵ (۲۰/۳)	۳۹ (۲۲/۳)

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران

جدول ۴. ماتریس همبستگی‌های محاسبه‌شده بین مقیاس‌های افسردگی، نشخوار فکری و دل‌بستگی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱ افسردگی
						۱	۰/۷۰۵ (۰/۰۰۱)	۲ نشخوار کل
					۱	۰/۸۵۷ (۰/۰۰۱)	۰/۶۰۷ (۰/۰۰۱)	۳ در فکر فرورفتن
				۱	۰/۴۶۰ (۰/۰۰۱)	۰/۷۴۹ (۰/۰۰۱)	۰/۴۳۲ (۰/۰۰۱)	۴ تعمق
			۱	۰/۲۲۱ (۰/۰۰۳)	۰/۲۹۱ (۰/۰۰۱)	۰/۳۵۰ (۰/۰۰۱)	۰/۴۰۹ (۰/۰۰۱)	۵ اجتناب
		۱	۰/۱۳۰ (۰/۰۸۷)	۰/۲۰۵ (۰/۰۰۶)	۰/۲۱۱ (۰/۰۰۵)	۰/۲۶۰ (۰/۰۰۱)	۰/۲۱۴ (۰/۰۰۵)	۶ اضطراب
	۱	۰/۱۳۱ (۰/۰۸۴)	۰/۱۲۷ (۰/۰۹۵)	۰/۰۶۵ (۰/۳۹۱)	۰/۰۸۰ (۰/۲۹۵)	۰/۱۲۸ (۰/۰۹۱)	۰/۱۴۳ (۰/۰۵۸)	۷ ایمن
۱	۰/۵۹۶ (۰/۰۰۱)	۰/۶۷۴ (۰/۰۰۱)	۰/۶۶۹ (۰/۰۰۱)	۰/۲۶۱ (۰/۰۰۱)	۰/۳۰۹ (۰/۰۰۱)	۰/۳۸۹ (۰/۰۰۱)	۰/۴۰۲ (۰/۰۰۱)	۸ دل‌بستگی

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

تمام موارد با توجه به سطح معناداری ۰/۰۵ بی‌معنی بود که نشان از همگنی واریانس‌ها است (F لوین با توجه به متغیرهای وابسته به ترتیب افسردگی، نشخوار کل، در فکر فرورفتن و تعمق برابر ۱/۸۹، ۲/۰۶، ۲/۷۴، ۰/۴۱ بود). تحلیل واریانس یک‌طرفه بین آزمودنی، برای افرادی که سبک دل‌بستگی آن‌ها در مقیاس اسمی AAQ (اجتنابی، اضطرابی، ایمن) مشخص بود، نشان

جدول ۵. نتایج تحلیل میانجی شاخص‌های نشخوار فکری در مدل‌های طبقه‌ای، ابعادی و کل نمونه، به تفکیک سبک‌های دل‌بستگی

نمونه‌های دل‌بسته نایمن								
متغیر مستقل (IV)	متغیر میانجی (M)	متغیر وابسته (DV)	اثر IV بر اثر M (a)	اثر M بر DV (b)	اثر مستقیم قبل از کنترل (C) M	اثر مستقیم بعد از کنترل (c) M	اثر غیرمستقیم (a×b)	اثر کل
اجتنابی، اضطرابی								
۱	شاخص اجتناب	در فکر فرورفتن	۰/۳۴۵ (۰/۰۰۲)	۰/۵۰ (۰/۰۰۱)	۰/۴۲۵ (۰/۰۰۱)	۰/۲۵۴ (۰/۰۱۱)	۰/۱۷۲	۰/۴۲۶
اجتنابی، اضطرابی، اضطرابی اجتنابی								
۲	شاخص اجتناب	در فکر فرورفتن	۰/۱۸۴ (۰/۰۴۱)	۰/۵۳۸ (۰/۰۰۱)	۰/۳۳۹ (۰/۰۰۱)	۰/۲۴۰ (۰/۰۰۱)	۰/۰۹۹	۰/۳۳۹
اجتنابی، اضطرابی اجتنابی								
۳	شاخص اجتناب	در فکر فرورفتن	۰/۲۷۰ (۰/۰۱۱)	۰/۵۷۴ (۰/۰۰۱)	۰/۲۹۰ (۰/۰۰۶)	۰/۱۲۵ (۰/۱۲۷)	۰/۱۵۵	۰/۴۴۵
ایمن و نایمن								
۴	شاخص اجتناب	در فکر فرورفتن تعمق	۰/۲۹۱ (۰/۰۰۱) ۰/۲۲۱ (۰/۰۰۳)	۰/۴۶۰ (۰/۰۰۱) ۰/۱۶۷ (۰/۰۱۰)	۰/۴۰۹ (۰/۰۰۱)	۰/۲۳۸ (۰/۰۰۱)	۰/۱۷۱	۰/۴۰۹

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

نسبت به گروه ایمن ($P < 0/001$) نشان داد. از طرفی بین گروه‌های دلبستگی مختلف در نمره حاصل از مقیاس نشخوار فکری کل تفاوت معناداری وجود دارد ($F_{3,171} = 5/74$ و $P = 0/001$). این تفاوت در خرده‌مقیاس‌های در فکر فرورفتن ($P = 0/02$ و $F_{3,171} = 3/34$) و تعمق ($P = 0/042$ و $F_{3,171} = 2/793$) نیز معنی‌دار بود.

سپس با استفاده از آزمون تعقیبی مشخص شد که در مقیاس نشخوار فکری کل، گروه اجتنابی-اضطرابی هم از گروه اضطرابی ($P < 0/026$) و هم از گروه ایمن ($P < 0/005$) نمره بیشتری داشتند. همچنین گروه اجتنابی از گروه ایمن ($P < 0/018$) نمره بیشتری کسب کرده بود. در خرده‌مقیاس‌های در فکر فرورفتن نشخواری، گروه اضطرابی-اجتنابی و گروه اجتنابی نمره بیشتری نسبت به گروه ایمن داشتند (به ترتیب، $P < 0/001$ و $P < 0/028$)؛ اما در خرده‌مقیاس تعمق نشخواری، تنها گروه اضطرابی-اجتنابی بود که نسبت به گروه ایمن ($P < 0/004$) نمره بیشتری داشت.

تحلیل میانجی: برای بررسی نقش میانجیگری مؤلفه‌های نشخوار فکری در رابطه بین شاخص‌های سیستم دلبستگی (اضطراب و اجتناب) با نشانه‌های افسردگی، تحلیل رگرسیون چندگانه^{۳۶} انجام شد. بعد از حذف شش داده پرت، مفروضه نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی‌شده متغیر وابسته، توسط آزمون کولموگراف-اسمیرنوف تأیید شد (Z این آزمون به ترتیب برای مقادیر پیش‌بینی‌شده و باقی‌مانده‌ها برابر $0/059$ ، $0/065$ بود که هیچ‌کدام در سطح $0/05$ معنادار نبودند). در اینجا به منظور بررسی و مقایسه روابط موجود، با توجه به دو مدل سه‌طبقه‌ای و ابعادی دلبستگی و نیز به تفکیک در کل نمونه و آزمودنی‌های نایمن، هشت تحلیل مجزا صورت گرفت. در جدول شماره ۵ نتایج مربوط به تحلیل‌های معنادار ارائه شده است. تحلیل میانجی را با استفاده از روش بوت‌استرپ به همراه تخمین‌های اصلاح اریب^{۳۷} [۴۰، ۳۹] انجام دادیم. اثرات غیرمستقیم، با فاصله اطمینان ۹۵٪ به وسیله ۵۰۰۰ بار نمونه‌گیری مجدد در این روش بررسی شد [۴۱].

روحیتن و دیگران [۷] نیز این روش را با ۵۰۰۰ بار نمونه‌گیری مجدد اعمال کردند. تحلیل ۱ (جدول شماره ۵) نشان می‌دهد که با توجه به تعریف دلبستگی نایمن در مدل سه‌طبقه‌ای، در فکر فرورفتن در رابطه بین شاخص اجتناب دلبستگی و نشانه‌های افسردگی میانجیگری نسبی دارد ($P < 0/005$)؛ زیرا بعد از کنترل این متغیر، رابطه مستقیم (مسیر C) هنوز معنادار است ($P = 0/011$). در مدل ابعادی (تحلیل ۲ و ۳، جدول شماره ۵) همین نتیجه به دست آمد؛ با این تفاوت که محدود کردن نمونه به دلبسته‌های اجتنابی و اجتنابی-اضطرابی (تحلیل ۳)

داد که میان سبک‌های دلبستگی مختلف در نمره حاصل از مقیاس افسردگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/0005$) و $F_{3,331} = 17/527$). آزمون تعقیبی LSD مشخص کرد که نمره افسردگی دلبسته‌های اجتنابی، هم از دلبسته‌های اضطرابی ($P < 0/01$) و هم از دلبسته‌های ایمن ($P < 0/005$) بیشتر است. همچنین دلبسته‌های اضطرابی، نمره افسردگی بیشتری نسبت به دلبسته‌های ایمن ($P < 0/006$) نشان دادند.

از طرفی بین سبک‌های دلبستگی مختلف در نمره حاصل از نشخوار فکری کل تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/0005$) و $F_{3,331} = 8/649$). این تفاوت در خرده‌مقیاس‌های در فکر فرورفتن ($P < 0/003$ و $F_{3,331} = 6/049$) و تعمق نیز معنی‌دار بود ($P < 0/039$ و $F_{3,331} = 3/314$). سپس با استفاده از آزمون تعقیبی مشخص شد که در مقیاس نشخوار فکری کل، دلبسته‌های اجتنابی ($P < 0/005$) و اضطرابی ($P < 0/021$) نمره بیشتری از دلبسته‌های ایمن داشتند؛ اما در خرده‌مقیاس‌های در فکر فرورفتن نشخواری و تعمق نشخواری، تنها دلبسته‌های اجتنابی (به ترتیب، $P < 0/001$ و $P < 0/012$) نمره بیشتری نسبت به گروه ایمن کسب کرده بودند. این نتایج نشان می‌دهد که اولاً افرادی که دلبستگی‌های متفاوتی داشتند، نمره‌های نشخوار متفاوتی نیز کسب کرده‌اند و ثانیاً با در نظر گرفتن خرده‌مقیاس‌های نشخوار فکری، تنها بین گروه اجتنابی و ایمن تفاوت معنی‌دار است؛ بدین معنی که دلبسته‌های اجتنابی نسبت به دلبسته‌های ایمن، نمرات بیشتری در خرده‌مقیاس‌های نشخوار فکری کسب کرده‌اند.

تحلیل واریانس، مرحله دوم: مدل ابعادی. در این مرحله بررسی همگنی واریانس‌ها نشان داد که چهار گروه دلبستگی تنها در متغیر تعمق واریانس‌های همگنی دارند (آزمون لوین: $P = 0/17$ و $F_{3,171} = 1/68$). از این رو برای متغیرهای دیگر (افسردگی، نشخوار کل، در فکر فرورفتن) تبدیل لگاریتمی صورت گرفت و در نتیجه داده‌ها با فرض همگنی واریانس‌ها منطبق شد (آزمون لوین برای هر سه متغیر در سطح $0/05$ بی‌معنی بود. F لوین با توجه به متغیرهای وابسته به ترتیب افسردگی، نشخوار کل و در فکر فرورفتن برابر $1/189$ ، $2/59$ ، $2/21$ بود). تفسیر نتایج به‌دست‌آمده از داده‌های تبدیل‌یافته را می‌توان به نحوی انجام داد که گویی هیچ تبدیلی به کار نرفته است [۳۸].

تحلیل واریانس یک‌طرفه بین آزمودنی، برای تمام آزمودنی‌ها با توجه به مدل ابعادی، نشان داد که بین افراد گروه‌های مختلف دلبستگی در نمره حاصل از مقیاس افسردگی تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/0005$ و $F_{3,166} = 6/40$). آزمون تعقیبی LSD مشخص کرد که نمره افسردگی گروه اضطرابی-اجتنابی هم از گروه اضطرابی ($P < 0/038$) و هم از گروه ایمن ($P < 0/0005$) بیشتر است. همچنین گروه اجتنابی نمره افسردگی بیشتری

36. Multiple regression analyses

37. Bootstrapping method with bias-corrected confidence estimates

جدول ۶. خلاصه مدل‌های تحلیل میانجی

۴	۳	۲	۱		
۰/۴۴	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۳۸	R ² Adjusted	
۴۶	۲۷	۳۹	۲۳	F	
۱۶۵	۸۶	۱۲۰	۷۲	خطا	۲
۳	۲	۲	۲	بین‌گروهی	۲
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	P	

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

گزارش شده است، برای مثال مارگولس^{۴۲} و دیگران [۱۴] برونیت و دیگران [۲۲] پیروسون و دیگران [۲۱] لانسینانو و دیگران [۲۰] و نیز بیدرمن و یونگ [۲۳]. به علاوه همسو با مطالعات حوزه نشخوار فکری از جمله نولن - هوکسما [۴۶] جاست^{۴۳} و الوی^{۴۴} [۴۷] کوئتر^{۴۵} و وبر^{۴۶} [۴۸] نولن - هوکسما، مورو، و فردریکسون^{۴۷} [۴۹] دریافتیم که نشخوار فکری و خرده‌مقیاس‌های آن با نشانه‌های افسردگی ارتباط تنگاتنگی دارند. البته این ارتباط برای مؤلفه درفکر فرورفتن نشخواری قوی‌تر است. مطالعات گذشته نیز بیشتر بر این مؤلفه نشخوار تأکید داشته‌اند. برای مثال درفکر فرورفتن با وخیم‌تر شدن نشانه‌های افسردگی و خطر ایجاد افسردگی ارتباط دارند [۵۰].

در این پژوهش تحلیل‌های واریانس و میانجی را هم با استفاده از مدل سه‌طبقه‌ای دل‌بستگی و هم مدل ابعادی انجام دادیم. قصد ما این بود که علاوه بر به‌دست‌آوردن اطلاعات دقیق‌تر درباره رابطه میان دل‌بستگی، نشخوار فکری و افسردگی، به مقایسه نتایج حاصل از این مدل‌ها بپردازیم. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل واریانس انجام‌شده در هر دو مدل نشان می‌دهند که نمره افسردگی در گروه‌های اجتنابی بیشتر از گروه ایمن است. باین حال مدل سه‌طبقه‌ای بیان می‌کند که نمره افسردگی در گروه اضطرابی‌ها نیز بیشتر از گروه ایمن است؛ اما این نتیجه از مدل ابعادی به‌دست نیامد. در عوض در این مدل مشخص شد که نمره افسردگی در گروه اضطرابی-اجتنابی، هم از گروه اضطرابی، و هم از گروه ایمن بیشتر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یافته به‌دست‌آمده از مدل سه‌طبقه‌ای مبنی بر بیشتر بودن افسردگی در گروه اضطرابی نسبت به گروه ایمن، به دلیل اشتراک حقیقی گروه اضطرابی-اجتنابی با گروه اضطرابی است و مجزای بودن این گروه در مدل سه‌طبقه‌ای، این نتیجه را به بار آورده است. از آنجاکه

موجب شد میانجی‌گری کامل رخ دهد. همچنین اثر کل ($\beta=0/445$) افزایش یابد؛ بنابراین این مدل، نسبت به مدل سه‌طبقه‌ای قدرت پیش‌بینی بیشتری دارد. تحلیل ۴ در کل افراد نمونه صورت گرفت که هر دو مؤلفه نشخوار فکری هم‌زمان در آن میانجی‌گری نسبی دارند. باین حال مسیرهای a ($\beta=0/291$) و b ($\beta=0/460$) برای درفکر فرورفتن ضرایب قوی‌تری دارند. معنی‌داری هر یک از مدل‌های میانجی‌گری به طور خلاصه در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی با نشخوار فکری، به عنوان میانجی اختلال افسردگی صورت گرفت. همچنین سعی شد تا به مقایسه مدل ابعادی [۱۵، ۱۱] و طبقه‌ای [۱۰] دل‌بستگی پرداخته شود. محاسبه همبستگی‌ها نشان دادند که شاخص‌های سیستم دل‌بستگی با نشانه‌های افسردگی ارتباط دارد. با توجه به تعریف مقیاس دل‌بستگی که در این مطالعه استفاده شد درمی‌یابیم که هرچه دل‌بستگی ناایمن‌تر باشد، در پی آن نشانه‌های افسردگی نیز افزایش می‌یابند. این نتایج با نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات اخیر مانند امانی، مجذوبی و آزادی‌فرد [۴۲] و مطالعات گذشته از جمله آلن^{۳۸} و دیگران [۴۳] کوباک^{۳۹} و دیگران [۴۴] و مورفی^{۴۰} و بیتس^{۴۱} [۴۵] همسو است. نتایج ما نشان دادند که رابطه شاخص اجتناب دل‌بستگی با نشانه‌های افسردگی، قوی‌تر از شاخص دیگر، یعنی اضطراب است.

از طرفی مشاهده شد که بین شاخص‌های دل‌بستگی، با نشخوار فکری رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه برای هر دو خرده‌مقیاس نشخوار فکری (درفکر فرورفتن و تعمق) معنادار بود؛ اما رابطه خرده‌مقیاس در فکر فرورفتن به‌مراتب قوی‌تر است. رابطه نشخوار فکری با سبک دل‌بستگی در پژوهش‌های بسیاری

42. Margolese

43. Just

44. Alloy

45. Kuehner

46. Weber

47. Frederickson

38. Allen

39. Kobak

40. Murphy

41. Bates

اضطرابی/دوسوگرا به احتمال بیشتری از راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار^{۴۹} استفاده می‌کردند، درحالی‌که افراد اجتنابی راهبردهای فاصله‌مدار^{۵۰} را به کار می‌بردند.

نولن-هوکسما و دیگران [۲۱، ۵۱] بیان می‌کنند که نشخوار فکری می‌تواند یک عملکرد اجتنابی را ایجاد کند؛ به این طریق که برای فرد ثابت می‌شود در یک موقعیت نومید و درمانده‌کننده قرار دارد و از این‌رو قادر به عملی برای غلبه بر این موقعیت نیست. نبود جرئت‌مندی، موافقت و پذیرش دائمی، از اشکال دیگر اجتناب است که اغلب در افراد افسرده به چشم می‌خورند. از آن‌رو که این اشکال با نشخوار فکری ارتباط دارند از این استدلال که نشخوار فکری عملکردی اجتنابی دارد، حمایت می‌کنند [۲۱]. در نتیجه بر اساس این استدلال که نشخوار فکری راهبردی اجتنابی است، می‌توان انتظار داشت که دل‌بسته‌های اجتنابی یا به عبارتی فعالیت شاخص اجتناب سیستم دل‌بستگی، ارتباط قوی‌تری با آن داشته باشد. بنابراین احتمال می‌دهیم که نتایج ما و پیرسون [۲۱] ماهیت ارتباط دل‌بستگی و نشخوار فکری را دقیق‌تر نشان می‌دهند. با این حال انجام مطالعات بیشتر توصیه می‌شود.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل میانجی، مشاهده می‌شود که مؤلفه درفکر فرورفتن نشخوار فکری، در میان افراد دل‌بسته نایمن، نقش میانجیگری را در رابطه شاخص اجتناب سیستم دل‌بستگی با نشانه‌های افسردگی بر عهده دارد. این نتیجه هم در مدل سه‌طبقه‌ای و هم در مدل ابعادی به دست آمد؛ با این تفاوت که در بین گروه‌های اجتنابی، و اضطرابی-اجتنابی، میانجیگری کامل وجود دارد. به عبارت دیگر هنگامی که نمونه تحلیل شده را تنها به این دو گروه محدود کردیم. میانجیگری نسبی درفکر فرورفتن نشخواری، به میانجیگری کامل تبدیل شد. این یافته با نتایج مطالعه مارگولس و دیگران [۱۴] پیرسون، و دیگران [۲۱] و نیز بیدرمن و یونگ [۲۳] همسو است. همچنین به طور ضمنی با یافته روحیتن و دیگران [۷] هم جهت است. می‌توان احتمال داد که وجود گروه اضطرابی در تحلیل موجب شده است نقش میانجیگری کامل صورت نگیرد. در اینجا نیز می‌توانیم حدس بزنیم که مجزانبودن دو گروه اضطرابی و اضطرابی-اجتنابی در مدل سه‌طبقه‌ای باعث شده است ارتباط موجود بین گروه اضطرابی-اجتنابی با نشخوار فکری و افسردگی پوشیده باقی بماند.

هنگامی که تحلیل مد نظر را بدون اعمال محدودیت، در تمام اعضای نمونه انجام دادیم، نقش میانجیگری مؤلفه‌های نشخوار فکری (درفکر فرورفتن و تعمق) در رابطه بین شاخص اجتناب با نشانه‌های افسردگی تأیید شد که این میانجیگری نسبی است (تحلیل میانجی ۴). می‌توانیم بگوییم که نتیجه اولیه ما از تحلیل

در مدل ابعادی، هر دو گروه اجتنابی، و اضطرابی-اجتنابی، نمره افسردگی بیشتری داشته‌اند، می‌توان احتمال داد که عامل ایجاد تفاوت معنی‌دار در نمره افسردگی، وجود شاخص اجتناب دل‌بستگی بوده است. همسو با این احتمال، در محاسبه همبستگی نیز مشاهده کردیم که این شاخص، همبستگی قوی‌تری نسبت به شاخص اضطراب، با نمره افسردگی دارد.

درباره نمرات نشخوار فکری در مدل ابعادی، همان‌طور که برای نمرات افسردگی بیان شد، نمره نشخوار فکری کل در گروه اضطرابی-اجتنابی، هم از گروه اضطرابی و هم از گروه ایمن، بیشتر است. به علاوه نشخوار فکری کل در گروه اجتنابی، بیشتر از گروه ایمن است. از طرفی مدل سه‌طبقه‌ای بیان می‌کند که نشخوار فکری، هم در دل‌بسته‌های اجتنابی و هم اضطرابی، از دل‌بسته‌های ایمن بیشتر است. در اینجا نیز درباره نتیجه اخیر می‌توان همان استدلال قبلی را به کار برد. در واقع عامل ایجاد تفاوت معنی‌دار در مدل سه‌طبقه‌ای، اشتراک موجود بین گروه اضطرابی و اجتنابی-اضطرابی است که در این مدل تمیزدانی نیستند. در نتیجه می‌توان شاخص اجتناب دل‌بستگی را عاملی مهم‌تر در ایجاد نشخوار فکری دانست که در همبستگی‌ها نیز مشهود است. در مقایسه خرده‌مقیاس‌های نشخوار فکری نیز می‌توانیم مشاهده کنیم که در ایجاد نشخوار، شاخص اجتناب دل‌بستگی نقش اصلی را بر عهده دارد.

نتایج مدل سه‌طبقه‌ای بیان می‌کنند که نمرات هر دو خرده‌مقیاس تعمق و درفکر فرورفتن دل‌بسته‌های اجتنابی بیشتر از دل‌بسته‌های ایمن است که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از مدل ابعادی هستند. این مدل نیز نشان می‌دهد که خرده‌مقیاس درفکر فرورفتن نشخواری، در گروه‌های اضطرابی-اجتنابی، و اجتنابی (یعنی هر دو گروهی که شاخص اجتناب در سیستم دل‌بستگی آن‌ها فعالیت بیشتری دارند) بیشتر از گروه ایمن است. همچنین نمره خرده‌مقیاس تعمق نشخواری، در گروه اضطرابی-اجتنابی بیشتر از گروه ایمن است. به طور کلی می‌توانیم نتیجه بگیریم که فعال بودن شاخص اجتناب در سیستم دل‌بستگی، نقش اصلی را در ایجاد نشخوار فکری و افسردگی بر عهده دارد. بنابراین نتایج ما با یافته پیرسون و دیگران [۲۱] همسو است. آن‌ها نیز بر رابطه دل‌بسته‌های اجتنابی با نشخوار فکری (به طور مشخص مؤلفه درفکر فرورفتن) تأکید کردند؛ اما بین دل‌بسته‌های اضطرابی و نشخوار فکری رابطه‌ای نیافتند. این در حالی است که سافری و ارنبرگ [۱۵] بیان کردند افراد اضطرابی با سطوح بالای نشخوار فکری ارتباط دارند. رابطه بین سبک دل‌بستگی با دامنه وسیعی از راهبردهای مقابله‌ای در مطالعه‌ای توسط میکولینسر^{۴۸} و همکاران [۴] بررسی شد. نتایج تحقیق آنان نشان داد که افراد دل‌بسته ایمن، حمایت اجتماعی بیشتری را نسبت به افرادی که دل‌بستگی دوسوگرا یا اجتنابی داشتند، جست‌وجو می‌کردند. افراد

49. Emotion-focused

50. Distancing

48. Mikulincer

آن موقعیت دارند. بنابراین دل‌بسته‌های اجتنابی که تنها راه گریز و فاصله گرفتن را به کار برده‌اند، درباره بسیاری از موقعیت‌ها و روابط بی‌تجربه هستند. این حالت باعث کاهش احساس خودکارآمدی و عزت‌نفس آن‌ها در مقابله با رویدادهای مختلف زندگی می‌شود و تنها راه باقی‌مانده، یعنی نشخوار فکری، را برمی‌گزینند. از این رو به افزایش نشانه‌های افسردگی یا دوام آن‌ها دامن می‌زنند.

تفاوت‌های موجود در راهبردهای مقابله‌ای افراد که تحت تأثیر سبک‌های دل‌بستگی آن‌ها به وجود آمده است، در طول زمان تأثیر بسزایی بر سازگاری فرد در تجارب پراسترس زندگی خواهد داشت و می‌تواند افراد را در خطر سازگاری ضعیف (مانند افسردگی، کاهش رضایت از زندگی، عملکرد بین‌فردی ضعیف) قرار دهد. برای مقابله مؤثر با رویدادهای متفاوت زندگی، افراد به ذخایر متنوع فردی و بین‌فردی نیاز دارند. برای مثال فاصله گرفتن از دیگران در واکنش به استرس (همان‌طور که در دل‌بسته‌های اجتنابی دیده می‌شود) باعث محدود شدن توانایی افراد در ایجاد رابطه‌های صمیمانه طولانی‌مدت می‌شود [۶].

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش بیان دارند که درمان افسردگی، باید هم شامل مداخلات شناختی که نشخوار فکری را هدف قرار می‌دهند باشد و هم شامل تمرکز بر روابط بین‌فردی که آشکارکننده سبک دل‌بستگی فرد هستند. یکی از اصول مهم درمان افسردگی می‌تواند پرداختن به پیوند والدین باشد. برای مثال دیاموند^{۵۳} و دیگران [۵۲] خانواده‌درمانی مبتنی بر دل‌بستگی^{۵۴} (ABFT) را توصیف کردند. نظریه دل‌بستگی چارچوب محکمی برای هدایت فرایند اصلاح گسستگی‌های روابط و ایجاد روابطی مبتنی بر اعتماد، ایجاد می‌کند.

از محدودیت‌های عمده این پژوهش روش نمونه‌گیری در دسترس بود که تعمیم نتایج را محدود می‌کند. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده با روش‌های نمونه‌گیری دقیق‌تر صورت پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده از رویکرد ابعادی دل‌بستگی استفاده شود؛ زیرا به نظر می‌رسد که با فراهم آوردن دو شاخص سیستم دل‌بستگی، قدرت تبیین بیشتری درباره فرایندهای شناختی و هیجانی مرتبط با دل‌بستگی به دست می‌دهد. در همین راستا و با توجه به مقایسه‌هایی که بین نتایج حاصل از مدل‌های سه‌طبقه‌ای و ابعادی صورت گرفت، استفاده از مدل چهارطبقه‌ای بارتولومه در این نوع تحقیقات اولویت دارد. از طرفی این مدل بسیار نزدیک به رویکرد ابعادی به دل‌بستگی است. مطالعه حاضر بر نقش رابطه و تعاملات والدین با فرزندان، در شکل‌گیری راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد در برابر پریشانی‌های روانی تأکید می‌کند.

میانجی که بر شاخص اجتناب تأکید داشت به قوت خود باقی می‌ماند. با این حال انجام مطالعات بیشتری را توصیه می‌کنیم.

نتایج ما نشان می‌دهند که افراد در مواجهه با رویدادهای پراسترس یا خلق منفی، با توجه به سبک دل‌بستگی یا به عبارتی نوع فعالیت سیستم دل‌بستگی، به سمت استفاده از سازوکارهای مقابله‌ای مختلفی می‌روند. به طور مشخص نشان دادیم افرادی که مدلی منفی نسبت به دیگران دارند یا به عبارتی شاخص اجتناب در سیستم دل‌بستگی آن‌ها فعال است به راهبرد منفعلانه نشخوار فکری تمایل دارند که این موجب تسهیل نشانه‌های افسردگی می‌شود. در مدل چهارطبقه‌ای بارتولومه، این افراد به صورت اجتنابی-هراسان، و اجتنابی-بی‌تفاوت دسته‌بندی شده‌اند. و مشخصه بارز آن‌ها دوری از روابط صمیمی با دیگران است. پراسترس، بهتر تجهیز شده‌اند؛ زیرا از یک طرف آن‌ها اعتقاد دارند که قادر به کنترل محیطشان هستند و از طرفی به در دسترس بودن دیگران در هنگام نیاز به کمک ایمان دارند. در مقابل، افرادی که دل‌بستگی نالیمن دارند، برای روبه‌رویی با موقعیت‌های پراسترس کمتر مجهز شده‌اند که بخشی از آن به دلیل انتظارات منفی درباره توانایی کنترل محیط است. بخشی از آن نیز به همین نوع انتظارات درباره درخور اعتماد و اطمینان بودن دیگران باز می‌گردد. بنابراین ممکن است افراد دل‌بسته نالیمن در مواجهه با شرایط پراسترس یا تهدیدآمیز، فاقد ذخایر فردی و بین‌فردی لازم برای تنظیم مؤثر هیجان‌اتشان باشند [۳].

افرادی که دل‌بستگی اضطرابی دارند، اغلب از راهبردهای بیش‌فعالانه^{۵۱} برای تنظیم پریشانی‌های احساس شده یا مورد انتظار استفاده می‌کنند. نتیجه شناختی این حالت، گوش‌به‌زنگی مفرط نسبت به هیجان‌ات منفی است [۲۰]. بسیاری از مطالعات، دل‌بستگی اضطرابی را با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار در ارتباط می‌دانند [۶]. از طرفی افرادی که دل‌بستگی اجتنابی دارند، اغلب از راهبردهای منفعلانه که دسترسی به پریشانی را محدود می‌کند، استفاده می‌کنند. انتظار می‌رود که اضطراب درباره طرد شدن، راه‌اندازی برای نشخوار فکری، و رفتارهای سلطه‌پذیرانه و تسکین‌دهنده برای جلوگیری از ترک شدن باشد [۵۲].

نتایج مطالعه مارگولس و دیگران [۱۴] نشان می‌دهند که استفاده از سبک مقابله‌ای نشخواری وابسته به بافت است^{۵۲}؛ نه یک راهبرد مقابله‌ای گسترده و معمول در مقابل احساس افسردگی. این بدان معناست که افراد تنها در صورتی به نشخوار فکری روی می‌آورند که با نوع مشخصی از پریشانی و استرس روبه‌رو شوند. از جمله روابطی که در گذشته تجارب محدودی درباره آن داشته‌اند و تردیدهای زیادی در خصوص خودشان در

53. Diamond

54. Attachment-Based Family Treatment (ABFT)

51. Hyper-activating strategies

52. Context-specific

دانش بیشتر در این زمینه، مفاهیم بیشتری را برای درک جنبه‌های رشدی فرایندهای فکری ناکارآمد (مانند نشخوار فکری) و نیز طراحی برنامه‌های پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌پذیری هیجانی فراهم می‌آورد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده علاوه بر بررسی بیشتر نقش شاخص‌های دلبستگی در ایجاد نشخوار فکری، به طراحی برنامه‌ها و مداخلات مربوطه برای پیشگیری از ایجاد این گونه سازه‌های اخلاک‌پرور پرداخته شود.

سپاسگزاری

از استادان و هم‌چنین تمامی دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم. بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، تعارض منافع و حمایت مالی از پژوهش وجود نداشته است.

References

- [1] Cummings, E. M., & Cicchetti, D. Toward a transactional model of relations between attachment and depression. In: Greenberg MT, Cicchetti D, Cummings EM, editors. Attachment in the preschool years: Theory, research, and intervention. Chicago: University of Chicago Press; 1993.
- [2] Carnelley KB, Pietromonaco PR, Jaffe K. Depression, working models of others, and relationship functioning. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1994; 66(1):127-40. doi: 10.1037/0022-3514.66.1.127
- [3] Cooper ML, Shaver PR, Collins NL. Attachment styles, emotion regulation, and adjustment in adolescence. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1998; 74(5):1380-97. doi: 10.1037/0022-3514.74.5.1380
- [4] Mikulincer M, Florian V, Weller A. Attachment styles, coping strategies, and posttraumatic psychological distress: The impact of the Gulf War in Israel. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1993; 64(5):817-26. doi: 10.1037/0022-3514.64.5.817
- [5] Marganska A, Gallagher M, Miranda R. Adult attachment, emotion dysregulation, and symptoms of depression and generalized anxiety disorder. *American Journal of Orthopsychiatry*. 2013; 83(1):131-41. doi: 10.1111/ajop.12001
- [6] Ognibene TC, Collins NL. Adult attachment styles, perceived social support and coping strategies. *Journal of Social and Personal Relationships*. 1998; 15(3):323-45. doi: 10.1177/0265407598153002
- [7] Ruijten T, Roelofs J, Rood L. The mediating role of rumination in the relation between quality of attachment relations and depressive symptoms in non-clinical adolescents. *Journal of Child and Family Studies*. 2010; 20(4):452-9. doi: 10.1007/s10826-010-9412-5
- [8] Bowlby J. Attachment and Loss, Vol. I: Attachment. New York: Basic Books; 1969.
- [9] Main M, Kaplan N, Cassidy J. Security in infancy, childhood, and adulthood: A move to the level of representation. *Monographs of the Society for Research in Child Development*. JSTOR. 1985; 50(1/2):66. doi: 10.2307/3333827
- [10] Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1987; 52(3):511-24. doi: 10.1037/0022-3514.52.3.511
- [11] Bartholomew K, Horowitz LM. Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1991; 61(2):226-44. doi: 10.1037/0022-3514.61.2.226
- [12] Bowlby J. Attachment and Loss: Vol. II. Separation, anxiety and Anger. London: Penguin Books Limited; 1998.
- [13] Bretherton I, Munholland KA. The internal working model construct in light of contemporary neuroimaging research. In: Cassidy J, Shaver PR, editors. Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications. New York: Guilford; 2016.
- [14] Margolese SK, Markiewicz D, Doyle AB. Attachment to parents, best friend, and romantic partner: Predicting different pathways to depression in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*. 2005; 34(6):637-50. doi: 10.1007/s10964-005-8952-2
- [15] Saffrey C, Ehrenberg M. When thinking hurts: Attachment, rumination, and postrelationship adjustment. *Personal Relationships*. 2007; 14(3):351-68. doi: 10.1111/j.1475-6811.2007.00160.x
- [16] Fraley RC, Shaver PR. Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*. 2000; 4(2):132-54. doi: 10.1037/1089-2680.4.2.132
- [17] Nolen Hoeksema S. Ruminative coping with depression. In: Heckhausen J, Dweck CS, editors. Motivation and self regulation across the life span. New York: Cambridge University Press; 1998.
- [18] Nolen Hoeksema S, Morrow J. A prospective study of depression and posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: The 1989 Loma Prieta earthquake. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1991; 61(1):115-21. doi: 10.1037/0022-3514.61.1.115
- [19] Pyszczynski T, Holt K, Greenberg J. Depression, self focused attention, and expectancies for positive and negative future life events for self and others. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1987; 52(5):994-1001. doi: 10.1037/0022-3514.52.5.994
- [20] Lanciano T, Curci A, Kafetsios K, Elia L, Zammuner VL. Attachment and dysfunctional rumination: The mediating role of Emotional Intelligence abilities. *Personality and Individual Differences*. 2012; 53(6):753-8. doi: 10.1016/j.paid.2012.05.027
- [21] Pearson KA, Watkins ER, Mullan EG, Moberly NJ. Psychosocial correlates of depressive rumination. *Behaviour Research and Therapy*. 2010; 48(8):784-91. doi: 10.1016/j.brat.2010.05.007
- [22] Burnette JL, Taylor KW, Worthington EL, Forsyth DR. Attachment and trait forgiveness: The mediating role of angry rumination. *Personality and Individual Differences*. 2007; 42(8):1585-96. doi: 10.1016/j.paid.2006.10.033
- [23] Beyderman I, Young MA. Rumination and overgeneral autobiographical memory as mediators of the relationship between attachment and depression. *Personality and Individual Differences*. 2016; 98:37-41. doi: 10.1016/j.paid.2016.03.077
- [24] Beck AT, Steer RA, Brown GK. Manual for the Beck Depression Inventory II. San Antonio: The Psychological Corporation; 1996.
- [25] Fata L, Birashk B, Atefvahid MK, Dabson KS. [Meaning assignment structures/schema, emotional states and cognitive processing of emotional information: comparing two conceptual frameworks (Persian)]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2005; 11(3):312-26.
- [26] Stefan Dabson K, Mohammadkhani P, Massah Choulabi O. [Psychometrics characteristic of Beck Depression Inventory-II in patients with major depressive disorder (Persian)]. *Archives of Rehabilitation*. 2007; 8 :82-8.
- [27] Treynor W, Gonzalez R, Nolen Hoeksema S. Rumination reconsidered: A psychometric analysis. *Cognitive Therapy and Research*. 2003; 27(3):247-59. doi: 10.1023/a:1023910315561
- [28] Yook K, Kim KH, Suh SY, Lee KS. Intolerance of uncertainty, worry, and rumination in major depressive disorder and generalized anxiety disorder. *Journal of Anxiety Disorders*. 2010; 24(6):623-8. doi: 10.1016/j.janxdis.2010.04.003
- [29] Giorgio JM, Sanflippo J, Kleiman E, Reilly D, Bender RE, Wagner CA, et al. An experiential avoidance conceptualization of depressive rumination: Three tests of the model. *Behaviour Research and Therapy*. 2010; 48(10):1021-31. doi: 10.1016/j.brat.2010.07.004
- [30] Mohammadkhani S, Purmand N.S., Hassanabadi, H. [An empirical test of a metacognitive model of rumination and depression in non-clinical population (Persian)]. *Modern psychological research*. 2013; 8(30):183-204.

- [31] Baldwin MW. Relational schemas and cognition in close relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*. 1995; 12(4):547-52. doi: 10.1177/0265407595124008
- [32] Feeney JA, Noller P. Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1990; 58(2):281-91. Doi: 10.1037/0022-3514.58.2.281
- [33] Pakdaman Sh. [Investigating the relation between attachment and sociability in adolescents (Persian)]. *Psychoscience*. 2004; 3(9):25-47.
- [34] Zarrati I, Amin Yazdi, SA, Azad Fallah P. [Relation of emotional intelligence and attachment style (Persian)]. *Advances in Cognitive Science*. 2006; 8(1): 31-37.
- [35] Ahadi B. [Relationship between loneliness and self esteem with students' attachment styles (Persian)]. *Journal of Psychological Studies*. 2009; 5(1): 95-112. doi: 10.22051/PSY.1970.1593
- [36] Taj, F., Taghipour, E., Sadeghi, M. S., & Khoskonesh, A. [The correlation of attachment styles with self-actualization in Psychotherapist in Tehran (Persian)]. *Quarterly Journal of Career & Organizational Counseling*. 2013; 5(16):28-45.
- [37] Overall NC, Fletcher GJO, Friesen MD. Mapping the intimate relationship mind: Comparisons between three models of attachment representations. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 2003; 29(12):1479-93. doi: 10.1177/0146167203251519
- [38] Ferguson G, Takane Y. *Statistical analysis in psychology and education*. New York: McGraw Hill; 1989.
- [39] MacKinnon DP, Lockwood CM, Williams J. Confidence limits for the indirect effect: Distribution of the product and resampling methods. *Multivariate Behavioral Research*. 2004; 39(1):99-128. doi: 10.1207/s15327906mbr3901_4
- [40] Preacher KJ, Hayes AF. SPSS and SAS procedures for estimating indirect effects in simple mediation models. *Behavior Research Methods, Instruments, & Computers*. 2004; 36(4):717-31. doi: 10.3758/bf03206553
- [41] Preacher KJ, Hayes AF. Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior Research Methods*. 2008; 40(3):879-91. doi: 10.3758/brm.40.3.879
- [42] Amani R, Majzooobi MR, Azadi Fard S. Mother infant attachment style as a predictor of depression among female students. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*. 2017; 5(1):834-41.
- [43] Allen JP, Moore C, Kuperminc G, Bell K. Attachment and adolescent psychosocial functioning. *Child Development*. 2008; 69(5):1406-19. doi: 10.1111/j.1467-8624.1998.tb06220.x
- [44] Kobak RR, Sudler N, Gamble W. Attachment and depressive symptoms during adolescence: A developmental pathways analysis. *Development and Psychopathology*. 1991; 3(04):461-74. doi: 10.1017/s095457940000763x
- [45] Murphy B, Bates GW. Adult attachment style and vulnerability to depression. *Personality and Individual Differences*. 1997; 22(6):835-44. doi: 10.1016/s0191-8869(96)00277-2
- [46] Nolen Hoeksema S. Responses to depression and their effects on the duration of depressive episodes. *Journal of Abnormal Psychology*. 1991; 100(4):569-82. doi: 10.1037/0021-843x.100.4.569
- [47] Just N, Alloy LB. The response styles theory of depression: Tests and an extension of the theory. *Journal of Abnormal Psychology*. 1997; 106(2):221-9. doi: 10.1037/0021-843x.106.2.221
- [48] Kuehner C, Weber I. Responses to depression in unipolar depressed patients: An investigation of Nolen Hoeksema's response styles theory. *Psychological Medicine*. 1999; 29(6):1323-33. doi: 10.1017/s0033291799001282
- [49] Nolen Hoeksema S, Morrow J, Fredrickson BL. Response styles and the duration of episodes of depressed mood. *Journal of Abnormal Psychology*. 1993; 102(1):20-8. doi: 10.1037/0021-843x.102.1.20
- [50] Whitmer A, Gotlib IH. Brooding and reflection reconsidered: A factor analytic examination of rumination in currently depressed, formerly depressed, and never depressed individuals. *Cognitive Therapy and Research*. 2011; 35(2):99-107. doi: 10.1007/s10608-011-9361-3
- [51] Nolen Hoeksema S, Wisco BE, Lyubomirsky S. Rethinking rumination. *Perspectives on Psychological Science*. 2008; 3(5):400-24. doi: 10.1111/j.1745-6924.2008.00088.x
- [52] Zuroff DC, Fitzpatrick DK. Depressive personality styles: Implications for adult attachment. *Personality and Individual Differences*. 1995; 18(2):253-65. doi: 10.1016/0191-8869(94)00136-g
- [53] Diamond G, Siqueland L, Diamond GM. Attachment based family therapy for depressed adolescents: Programmatic treatment development. *Clinical Child and Family Psychology Review*. 2003; 6(2):107-27. PMID: 12836580